تحلیل ویژگی‌های کالبدی در سقانفارهای مازندران (همراه با مستندسازی و بررسی تطبیقی سقانفار قادیکلا)

وحید حیدری: مربی، عضو هیات علمی گروه مرمت بناهای تاریخی، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران
vahidary@semnan.ac.ir
زهرا اسدی: فارغ التحصیل کارشناسی مرمت بناهای تاریخی، دانشکده هنر، دانشگاه سمنان
Maedeasadi3970@gmail.com

چکیده

سقانفارها بناهای چوبی و نسبتاً کوچک هستند که در معماری بومی و کشاورزی منطقهٔ مازندران ریشه دارند و نوع امروزین و تکامل یافتهٔ آنها را عمدتاً به عنوان بناهای آئینی و مذهبی می شناسیم که به واسطهٔ قداست واحترامی که نزد عامهٔ مردم دارند در محوطهٔ مساجد وتکایای قدیمی برافراشته می شوند. این بناهای چوبی مشخصاً در دو اشکوب بنا شده اند و شامل تزئیناتی همچون خراطی، نقاشی وخوشنویسی هستند. تاکنون مطالعات متعددی پیرامون ویژگی‌های اسطوره‌ای، آئینی و تاریخی این ابنیه انجام گرفته است که عمدتاً متمرکز بر جنبه های مردم شناسی آنها بوده است. همچنین پژوهش‌های چندی بر ویژگی‌های کالبدی سقانفاهار مانند معماری، سازه و تزئینات انجام یافته است که بعضاً نظریاتی پیرامون فرم کلی پلان، تعداد ستون‌ها و مواردی از این دست و ارتباط آن با برخی ویژگی های معنوی را مطرح ساخته که لازم به نقد و ارزیابی است. این پژوهش عمدتاً متمرکز بر ویژگی‌های کالبدی سقانفارها است و بر دو موضوع متمرکز است: یکی بررسی نظریات مطرح پیرامون ویژگی های معماری سقانفارهای مازندران و صحت و سقم آنها و دیگری مستندسازی کالبدی یک نمونه سقانفار با هدف ارائه الگویی از شیوه ثبت جزئیات کالبدی این گونه از ابنیه و نحوه بررسی تطبیقی آن با موارد مشابه. جهت انجام این پژوهش ابتدا تلاش گردیده با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای پیشینه‌ای از ویژگی‌های شاخص این گونهٔ خاص معماری بومی ایران بیان گردد. سپس به شیوهٔ مطالعات میدانی هشت بنای منتخب از این ابنیه بررسی گردیده و نهایتاً سقانفار قادیکلا به عنوان نمونهٔ مطالعاتی اصلی مستندسازی کامل شده و با بقیه نمونه‌ها مقایسهٔ تطبیقی گردید. بررسی‌ها نشان داد برخی ویژگی-های مطرح شده در مطالعات پیشین مانند فرم پلان، تعداد طبقات، مصالح اصلی و الحاقی در سازه و تزئینات قابل شناسایی و تابع یک الگوی اصلی و ثابت است و می تواند در شناخت اصالت کالبدی سایر نمونه ها مورد استفاده قرار گیرد. لیکن ویژگی هایی چون تعداد ستون ها و ارتباط آن با مفاهیم معنوی در مذهب تشیع فاقد یک الگوی مشخص و ثابت بوده و تعمیم پذیر نمی باشد.

واژگان کلیدی: سقانفار، سقاتالار، معماری مذهبی، معماری بومی، تصویرگری عامیانه

1. مقدمه

سقانفارها که با عناوین دیگری همچون: "سقاتالار"، "سقانپار"، "ساق نفار" و "نفار" نیز شناخته می شوند بناهای چوبی نسبتاً کوچکی هستند که مختص معماری بومی منطقهٔ مازندران می‌باشند و از یک سو ریشه در معماری روستایی و بومی (اقتصاد کشاورزی) و از سوی دیگر در معماری آئینی (نیایش آب)، اسطوره ای و مذهبی (مذهب شیعه و واقعه عاشورا) مردم منطقه ریشه دارند. همچنین عناوین دیگری همچون: "ساقی نفار"، "ساخ نفار"، "ساخانفار"، "سقاتِلار" و...نیز برای این گونهٔ معماری بکار می‌رود که بعضاً متاخر بوده یا گویش محلی می باشند(یوسف نیا پاشایی، 1385: 61). سقانفارها در فرم امروزین شان، که به دوران بعد از قاجار بر می‌گردد، عمدتاً به عنوان بنایی مذهبی شناخته می شوند و در محوطهٔ مساجد و تکایای قدیمی جای گرفته‌اند. بیشترین نمود کارکرد مذهبی سقانفارها را علاوه بر مورد مذکور می توان در تزئینات‌شان ملاحظه کرد؛ خصوصاً نقاشی های انجام گرفته روی جداره‌های داخلی و سقف بناها. تقریباً می‌توان گفت که همه سقانفارهای کنونی به خاطر حضرت ابوالفضل العباس(ع) ایجاد شده‌اند و نام «سقا» نیز یادآور سقای کربلا در حماسهٔ عاشورا است(رحیم زاده، 1383: 148). اهمیت این واقعه نزد مردم سبب ساخته شدن، توسعه و همچنین نگهداری این ابنیه در خطهٔ مازندران شده است. به لحاظ فضایی سقانفارها از گذشته جایگاه اجتماع مردم خصوصاً جوانان و نوجوانان در ایام معینی مانند روزهای اعتکاف وعزاداری های مذهبی خاصه عاشورا بوده است. علاوه بر جنبه های آئینی و مذهبی آنچه این ابنیه را منحصر بفرد ساخته ترکیب چندین هنر از جمله معماری، صنایع دستی، نقاشی و خطاطی است که در کل شکل بدیع و منسجمی را بوجود آورده است(عناصری، 1383: 140-139).

عمدهٔ تحقیقات انجام شده پیرامون سقانفارها به جنبه‌های آئینی این ابنیه پرداخته‌اند. همچنین بررسی‌هایی نیز به معماری و تزئینات سقانفارها خاصه نقاشی های آنها تمرکز یافته که در نوع خود حائز اهمیت هستند. ضمن آنکه برخی ویژگی های معماری، سازه ای و تزئینی این ابنیه به عنوان الگوی قالب مطرح گردیده که لازم است بررسی شود از جمله فرم پلان، مشخص بودن تعداد ستون‌ها و پیروی آنها از یک الگوی مفهومی، استفاده از چوب به عنوان تنها مصالح اصیل در ساخت سقانفارها و همچنین قابلیت گنجانیدن تزئینات آنها در دسته بندی مشخص محتوایی. سقانفارهایی که در این نوشتار معرفی و مورد بررسی کلی قرار گرفته اند عبارتند از: سقانفارهای "زعفران کلا"، "کبودکلا"، "کیجاتکیه" و "لدار" درمحدودهٔ بابل؛ سقانفارهای "مرزنگو" و "نواحی محله" در محدودهٔ آمل و سقانفار "کمانگرکلا" در محدودهٔ فریدونکنار. همچنین جهت تشخیص ویژگی های سبکی و الگوهای معماری، سقانفار قادیکلا در محدودهٔ قائم شهر مستندسازی جامع گردیده و مورد بررسی تطبیقی با سایر نمونه قرار گرفت. نوشتار پیش رو عمدتاً متمرکز بر ویژگی های کالبدی سقانفارها است و به تحلیل ویژگی های تاریخی و مردم شناسی این ابنیه نمی‌پردازد. در بررسی ویژگی های کالبدی، پژوهش پیش رو به بررسی ویژگی های سبکی مطرح در تحقیقات پیشین پرداخته و آنها را در بوته نقد تحلیل می نماید و نکات صدق یا عدم صدق آنها را مشخص می سازد. ضمن آنکه با مستندسازی جامع یک مصداق موجود به ارائه الگویی در بررسی های کالبدی موارد مشابه می پردازد.

1-1.پرسش های پژوهش

1. ویژگی های عمومی و شاخص پیرامون کالبد سقانفارهای مازندران کدام است و این ویژگی ها ریشه در چه افکار و اندیشه هایی دارد؟

2. برخی ویژگی های خاص مطرح شده پیرامون کالبد سقانفارها، مانند تعداد ستون ها و ارتباط آنها با اعداد مقدس در مذهب تشیع، چقدر صحت داشته و قابل تعمیم هستند؟

3. چگونه می توان از مستندسازی های کالبدی و بررسی های تطبیقی در راستای تحلیل نظریات مطرح پیرامون معماری سقانفارها بهره جست؟

1-2. روش تحقیق

شیوهٔ این تحقیق مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی است که به مطالعات موردی و مقایسهٔ تطبیقی نیز می پردازد. جمع آوری داده‌ها در این تحقیق مبتنی بر سه قسم است. الف) مطالعات کتابخانه ای و جمع آوری اطلاعات موجود پیرامون موضوع مورد بحث و همچنین مشخص کردن تعاریف، پارامترها و مولفه‌های مورد نظر در بررسی‌ها ب) مطالعات میدانی و مستندسازی نمونه‌هایی از گونهٔ مورد بحث و بسط یک گزینه به عنوان نمونهٔ معیار. ج) مقایسهٔ تطبیقی نمونهٔ منتخب با سایر موارد جهت سنجش، رد و یا پذیرش تعاریف و پارامترهای مقبول پیشین.

1-3. پیشینه تحقیق

همانطور که پیشتر گفته شد تاکنون پژوهش های متعددی پیرامون سقانفارها صورت گرفته است که آنها را از زوایای مختلفی مورد بررسی قرار داده است که به نظر می رسد می توان این پژوهش ها را در قالب سه محتوای کلی دسته بندی نمود:

الف) اولین موضوع مورد توجه بررسی تاثیر ریشه های اسطوره ای، آئینی، مذهبی، اقتصادی، فرهنگی و تاریخی در شکل گیری سقانفارها است که می توان بیشترین تحقیق مربوط از این نوع را در آثار معصومه رحیم زاده ملاحظه کرد: رحیم زاده(1373)، (1382) و (1383) همچنین پژوهشگران دیگری همچون عناصری (1383)، اخگری و امیرکلایی(84-1383)، یوسف نیا پاشایی(1385)، جوادی(1386)، جانعلی زاده و ذال(1389)، رفیعی(1390) و ذال، علیئی و همتی(1394) نیز موضوع اخیر را در مرکز توجه خود قرار داده اند.

ب) موضوع مورد توجه دیگر در پژوهش های مرتبط با سقانفارهای مازندران متمرکز بر نقش مایه های تزئینی این ابنیه خصوصاً نقاشی و همچنین خوشنویسی است. این پژوهش ها عمدتاً به تفسیر نقوش از دیدگاه محتوایی پرداخته و آنها را دسته بندی کرده و بناهای مربوط را معرفی کرده اند. از جملهٔ این پژوهش ها می توان به: رحیم زاده(1382)، اخگری و امیرکلایی(84-1383)، محمودی(1387)، محمودی و طاووسی(1387)، محمودی، طاووسی و فرهنگی(1388)،جانعلی زاده و ذال(1389)، ستوده(1392)، کلانتر و گرامیان(1392)، رستمی و باباجان تبار(1393)، کلانتر(1399)، و زارعی، اکبرپور و پایدارفرد(1399) اشاره کرد.

ج) موضوع مورد توجه دیگر در پژوهش ها که به نسبت کم تعدادتر است بر معماری، سازه و عناصر ساختاری سقانفارها متمرکز می باشد. از جمله موارد قابل اشاره می توان به: رحیم زاده(1382)، بزرگ نیا(1384)، یوسف نیا پاشایی(1385)، جانعلی زاده و ذال(1389)، رفیعی(1390)، معماریان و پیرزاد(1391)، ستوده(1392)، احدی(1392)، ذال، علیئی و همتی(1394) اشاره نمود.

در این میان نوآوری مقاله پیش رو عمدتاً به بخش مربوط به بررسی های معماری و کالبدی سقانفارها مربوط می شود. بدین معنی که پژوهشگران علاوه بر شناسایی، مستندسازی و تحلیل هشت نمونه کمتر شناخته شده از این گونه معماری، با بررسی تطبیقی نمونه ها با یکدیگر و با یک نمونه شاخص به راستی آزمایی نظریات مطرح شده در تحقیقات پیشین پرداخته و ضمن تصحیح نظریات قبلی، نمونه مستندسازی شده ای ارائه می دهد که می تواند در تحقیقات آتی به عنوان مدل یا الگو مورد استفاده قرار گیرد.

2. مبانی نظری

2-1. ریشه‌ها، تعاریف و مفاهیم کلی

دربارهٔ ریشه‌های وجودی سقانفارهای امروزین نظریات متعددی وجود دارد که می توان آنها را به چند دستهٔ کلی تقسیم کرد. از جمله برخی از آنها جنبه‌های معیشتی مرتبط با کشاورزی را عامل اصلی می دانند؛ این استدلال ریشهٔ معماری سقانفارها را مستتر در واژهٔ "نقار" می داند. نفار یا "نپار"ها گونه ای از معماری هستند که می توان آنها را نوع کوچکتر، ساده‌تر و نخستین سقانفارها دانست. ابنیه‌ای که برسر مزارع وکشتزارهای مازندران برپا می شده است. این ابنیه که با سوار کردن چند چوب بر روی هم ایجاد می شود عموماً در کنار جوی های آب یا چاه‌های آبیاری کشتزاران ساخته می‌شود و اشاره به عمارتی دارد که شخص هدایت کننده آب، در آن جای می‌گیرد یا می‌خوابد تا علاوه بر جاری کردن آب به تمامی نقاط شالیزار بتواند از کشتزار در مقابل حملهٔ حیوانات وحشی محافظت نماید(یوسف نیا پاشایی، 1385: 61) تعبیر دیگر از ریشهٔ سقانفار مرتبط با مضون کنونی آن محتوای مذهبی دارد و با قدری تغییر برگرفته از "ساق نفار" یا "ساقی نفار" تعبیر شده است. بنایی چوبی که جزء لاینفک مجموعه‌های مذهبی (مسجد، تکیه، حسینیه و قبرستان) است(محمودی، طاووسی و فرهنگی؛ 1388: 95). تعبیر اخیر را برخی محققین قدری به عقب برده و ریشه‌های اسطوره‌ای آن را با جنبه‌های مذهبی پیوند داده‌اند: «این ابنیه اغلب در کنار مزارع بوده و مردم برای طلب باران و فراوانی محصول در آنجا به نذر و نیاز می پرداختند و متوسل به ایزد بانوی آناهیتا می شدند. این نیایشگاه‌ها امروز به سقای دشت کربلا حضرت عباس منسوب شده و بویژه در شهرها و روستاهای شمال ایران فراوان است.»(جوادی، 1386: 13). نظریه اخیر مقبول افتاده و بسط می یابد: «در نگرش آئینی به مذهب در منطقهٔ مازندران سقانفار نماد حضرت ابوالفضل و تکیه نماد امام حسین است. به همین دلیل تکایا محل نشستن پیران و سقانفار محل نشستن جوانان است»(معماریان و پیرزاد، 1391: 29). این دیدگاه در تعبیر انواع نفار نیز دیده می شود و هر دو جنبهٔ مذکور به یک نسبت پر رنگ می گردد: «نفارها را بر حسب مکان استقرار و نوع کاربردشان می توان به چهار دستهٔ اصلی تقسیم کرد: 1-دشتی نفار: در جایگاه نگهبانی زمین کشاورزی، 2-باغ نفار: در جایگاه نگهبانی باغ، 3-خنه نفار: در جایگاه نگهبانی انسان و 4-سقانفار: در جایگاه نگهبانی مذهب. از این میان سقانفار را می توان مهمترین، شاخص ترین و ارزشمندترین نوع نفار دانست.»(رفیعی،1390: 58). با این توصیفات سقانفار گونهٔ شناخته شده تر از نوعی فرهنگ معماری است که ریشه در معیشت و مذهب دارد و گرچه امروزه بعضاً در نواحی شهری قرار گرفته لیکن برگرفته از معماری روستایی است. با این وجود سقانفارهای امروزین فضاهایی با ماهیت کاملاً مذهبی هستند که عمدتاً جهت برگزاری مراسم عزاداری ایام محرم و صفر استفاده می شوند. به لحاظ تعریف معماری«سقانفارها بناهایی دو اشکوبه هستند که بر روی چهار پایه قطور چوبی به فرم چهارگوش فضایی کوچک را در حریم امام زاده ها، تکیه ها وگورستان ها به خود اختصاص داده اند. ارتباط بین دو اشکوبه از طریق پلکان چوبی، که معمولاً در کنار بنا ساخته شده، امکان پذیر است.»(رحیم زاده، 1382: 33).

دربارهٔ پیشینهٔ تاریخی انواع نفارها اطلاعات کمی موجود است خاصه استفادهٔ وسیع از چوب، که عنصری نسبتاً کم دوام محسوب می شود، سبب می شود طول عمر آنها نسبتاً کوتاه باشد. چنانچه دو ریشهٔ اصلی تاثیرات اقلیمی (ساخت نفار) و تاثیرات مذهبی (ساخت سقانفار) را مبنا قرار دهیم ریشهٔ اولیهٔ نفارها بسیار کهن است؛ لیکن ریشهٔ سقانفار را میتوان از دورهٔ رشد مذهب شیعه در مازندران دنبال کرد. برخی محققان سیر تحول این ابنیه را چنین حدس زده اند: الف) دورهٔ شروع: حکومت مرعشیان و دورهٔ صفویه؛ ب) دورهٔ اوج: قاجاریه؛ ج) دورهٔ انحطاط: پهلوی دوم و عصر حاضر. با این وجود از سقانفارهای پیش از قاجاری اثری برجای نیست و دوران قاجار به عنوان دورهٔ اصلی رواج و شکوفایی این گونهٔ معماری شناخته می شود: «اکثر این بناهای مذهبی که یادمانی آئینی و تاریخی بوده‌اند در دورهٔ قاجار ساخته شده‌اند(محمودی، طاووسی و فرهنگی؛ 1388: 75)؛ «سقانفارها بیشتر در زمان قاجاریه ساخته شده‌اند و مانند سقاخانه‌ها در سایر نقاط ایران به غیر از جنبه‌های خدماتی (دادن آب و شربت به عزاداران) دارای جنبهٔ تقدس نیز می باشند»(بزرگ نیا، 1384: 124). ضمن آنکه عمدهٔ نوشته‌های بازمانده بر سقف و بدنهٔ سقانفارها که اشاره به تاریخ ساخت، بانی و استادکاران بنا دارد مربوط به دورهٔ قاجاریه است: «تقریباً قدیمی ترین این ابنیه به اوایل دورهٔ قاجار تا پایان سلطنت ناصرالدین شاه باز می گردد»(ذال، علیئی و همتی، 1394: 139 به نقل از یوسف نیا پاشائی، 1385: 60-61).

2-2. بررسی خصوصیات کالبدی و غیر کالبدی سقانفارها

2-2-1. ویژگی های معماری و عمکردی

پیرامون ویژگی‌های معماری و عملکردی سقانفارها تاکنون پژوهش‌های چندی انجام گرفته که تحلیل نمونه‌های مطالعاتی در این تحقیق بدون اطلاع از آنها امکان پذیر نیست از آن جمله به این موارد می توان اشاره کرد: «سقانفار سازه‌ای چوبی است که دو طبقه دارد، این بنا همواره چهارگوش است و ستون های طبقهٔ همکف یا "زیرتخت" پایه‌های طبقهٔ اول هستند. فضای زیرین فاقد دیوار است و از آن به عنوان انبار نگهداری ابزار و وسایل استفاده می شود»(کلانتر و گرامیان، 1392: 92)؛ «سقانفارها عموماً دو طبقه ساخته می شوند که طبقهٔ همکف "زیر تخت" و طبقهٔ فوقانی "سقانفار" نام دارد. سقانفار محل نشستن آقایان، میان حد بلوغ تا 35 سال (قبل از دوره ی میانسالی) است»(احدی، 1392: 5) در بررسی تعاریف مذکور و تطبیق آن با برخی نمونه های موجود چنین قابل برداشت است که وجود دیوار در طبقهٔ همکف الحاقی بوده و بنا به ضرورت عملکردی مانند کاربری‌های مذکور و یا فرسودگی‌های کالبدی متاخر ایجاد شده و ریشهٔ تاریخی ندارد. لیکن در موضوع دیگر که به نوع استفاده افراد بر حسب سن و جنسیت برمی گردد احتمالاً نوعی انتخاب فرهنگی و منطقه‌ای حاکم است و قاعده‌ای فراگیر وجود ندارد زیرا اطعام و صرف نذوراتی همچون چای و شربت در برخی مناطق در این طبقه انجام می شود و ممانعت سنی در استفاده وجود ندارد.

2-2-2. ویژگی های ساختاری و سازه ای

پیرامون ویژگی های ساختاری و سازه‌ای نیز نظریاتی وجود دارد که در مواردی درست به نظر می رسد و برخی موارد با ابهام مواجه است و یا از دایره شمول کلی خارج است. مثلاً از آنجاکه در ماهیت بومی و اولیه، نفارها ابنیه‌ای ساده و در خدمت کشاورزی بوده اند، بنابراین فرم ابتدایی شان فاقد پیچیدگی‌های سازه‌ای و تزئینی است: «نفارها در بابل به آلاچیق یا دکه‌ای چوبی که سقفش را با گاله می پوشانند گفته می شود. مانند باغ نفارها که در وسط باغ ساخته می شود»(بزرگ نیا، 1384: 124) از سوی دیگر سقانفارها که ماهیت مذهبی و عمومی‌تر پیدا می کنند به لحاظ معماری، سازه و تزئینات پیشرفت کرده و در آنها به جزئیات سازه-ای توجه بیشتری می شود و نام گذاری‌هایی را لازم می شود که در پژوهش های چندی آمده است و به نظر می رسد این اسامی در عمدهٔ مناطق مازندران به همین منوال باشد: «1- نعل یا واشان، 2- ستون، 3- سرستون یا کماچه، 4- دست انداز، 5- نال بالای ستون، 6- شیر سر، 7- نگهدار یا واوند(بادبند)، 8- لب بند، 9- شوله ور، 10- تخته، 11- درز پوش، 12- پلور، 13- رواق یا گرد رفاق، 14- سقف یا بوم(بام)، 15- نرده(رحیم زاده، 1382: 43). و یا تحقیق دیگری اجزای سازه را تفکیک می سازد: «سقانفارها به لحاظ سازه‌ای از سه بخش تشکیل شده اند: الف) بخش کرسی‌چینی یا پایه که می‌تواند آجری، سنگی یا چوبی باشد. ب) بخش طبقات که شامل طبقهٔ همکف و اول است و هیچگاه تعداد طبقات سقانفارها از این میزان فراتر نرفته است. ج) بخش پوشش متشکل از دو بخش بام(سقف مسطح) و پشت بام(سقف شیبدار) است(معماریان و پیرزاد، 1391: 35). مطابق تحقیق اخیر و بر اساس تطبیق آن با نمونه‌های اصیل و تاریخی به نظر می‌رسد گزارهٔ تماماً چوبی بودن سقانفارها با توجه به مصالح غیرچوبی مورد استفاده در کرسی‌چینی نادرست است. مورد دیگر به ارتباط تعداد ستون‌های سقانفار با مفاهیم مذهبی برمی‌گردد که نیاز به بررسی بیشتر داشته به نحوی که پژوهشگر نیز دچار تشکیک می گردد: «سقآنفارهای مازندران، بنای مقدس خاص سقآیی و آب است. هیأت اصیل این ساختمان کاملاً چوبی، دارای 6 ستون در طبقه ی همکف و 12 ستون در طبقه ی فوقانی است... البته با توجه به بررسی های انجام شده نمونه هایی از سقانفارها هستند که از نظر تعداد ستون از قاعده ی فوق تبعی نمی کنند»(جانعلی زاده، ذال، 1389: 127). در چنین مواردی اگر تعداد استثناها اندک باشد می توان آن را خروج از الگو دانست و قاعده مذکور را پذیرفت؛ لیکن موارد نقض فراوان است که در ادامهٔ نوشتار به آن خواهیم پرداخت.

2-2-3. ویژگی های تزئینی

از جمله ویژگی‌های قابل توجه و منحصربفرد در سقانفارها یکی آثار چوبی است مانند خراطی که بیشتر از همه‌جا در تیرها، شیرسرها و نال‌ها دیده می شود و دیگری نقوش و خطوطی است که با دو هدف تزئینی و مفهومی عمدتاً در فضای داخلی این ابنیه بکار رفته است. موضوع اخیر بین پژوهش‌های کالبدی جزو مواردی

است که بیشترین تعداد را متوجه خود می‌سازد. نقدهای انجام گرفته پیرامون این نقوش و خطوط عمدتاً به موضوع و محتوا پرداخته و دسته بندی‌هایی را ارائه می دهد و در موارد محدودی نیز به فرم و جنبه های بصری پرداخته شده است: «...این مضامین و موضوعاتی گاه در عین برخورداری از عمق معنایی و بار ژرف مفهومی که حامل آنند، بسیار ابتدایی وکودکانه ترسیم شده‌اند. شاید یکی از دلایلی که موجب می شود تا این نقوش را در ردیف هنر عامیانه قرار دهیم همین سبک ابتدایی در نقش پردازی‌ها باشد.»(رحیم زاده، 1382: 59). توصیف اخیر در عین حال که در بسیاری موارد صادق است به نظر می رسد استثنائاتی نیز دارد و برخی آثار از کیفیت خوبی برخوردارند. در مورد خطاطی‌ها نیز این موضوع صادق است و در مجموع می توان گفت آثار نقاشی و خطاطی بجا مانده در سقانفارها کیفیت هنری یکدستی ندارند. به لحاظ محتوایی همانطور که پیش تر گفته شد تحلیل ها و تفسیرهای بیشتری وجود دارد و لیکن دو نوع دسته بندی کلی وجود دارد: «در یک طبقه بندی مفهومی زمینه های این نقوش به دو دستهٔ جنبه های ملی و مذهبی تقسیم بندی شده اند»(محمودی، طاووسی و فرهنگی، 1388: 76). «در یک دسته بندی جامع تر این نقوش به دو گروه بزرگتر مذهبی وغیر مذهبی تقسیم می شود که هرکدام از این دو گروه خود به شاخه ها ودسته های کوچک تری قابل تقسیم هستند»(رحیم زاده، 1382: 60) به نظر می رسد دسته بندی دوم شمول بیشتری دارد زیرا موضوعات مربوط به زندگی عامیانه و نقوش گیاهی و حیوانی که فراوان در سقانفارها مشاهده می شود را عملاً نمی توان در هیچ یک از دسته بندی های ملی یا مذهبی گنجانید.

3. یافته ها

3-1. مطالعات میدانی و ایجاد یک جامعهٔ آماری

یکی از راه‌های شناخت سقانفارها بررسی نمونه‌های موردی و انجام مطالعات تطبیقی است. براین اساس هشت نمونه از این ابنیه در استان مازندران شناسایی شده و مورد مطالعه و مستندسازی قرار گرفتند که مشخصات آنها مطابق جدول1 می باشد. بر این اساس سقانفارهای انتخاب شده در ایجاد جامعه آماری مورد نظر در یک محدوده مشخص از سه شهرستان همسایه در استان مازندران قرار گرفته اند، شامل: شهرستان بابل 4 نمونه (سقانفارهای زعفران کلا، کبودکلا، کیجا تکیه و لدار) شهرستان آمل 3 نمونه (سقانفارهای کمانگرکلا، مرزنگو و نوایی محله) و شهرستان قائم شهر 1 نمونه (سقانفار قادیکلا). همچنین مهمترین پارامترهای مورد توجه در بررسی ها این موارد است:

الف) معماری: شامل بررسی فرم پلان، تعداد طبقات و تعداد ستون ها

ب) سازه: شامل بررسی فرم سازه و جنس مصالح اصلی و الحاقی

ج) تزئینات: شامل درودگری، نقاشی و خط (کتیبه و خوشنویسی)

از این میان یک نمونه موردی (سقانفار قادیکلا) به شکل جامع مستندسازی شد؛ با این هدف که بتوان آن را به شکل معیار با بقیهٔ نمونه‌ها تطبیق داد که در بخش های بعدی به آن خواهیم پرداخت.

جدول1. خلاصهٔ مشخصات سقانفارهای

مستندسازی شده. ماخذ: نگارندگان

نام سقانفار	موقعیت و مشخصات	تصویر کامل	جنس مصالح سازه (اصیل و الحاقی)	مصالح سقف	فرم پلان	تعداد ستون در طبقات	دردوگری و نقوش آنها	تزئینات نقاشی	خط، کتیبه سایر تزئینات	منابع
زعفران کلا	شهرستان بابل، دهستان گتاب شمالی روستای زعفران کلا		چوب، آجر، سیمان	چوبی با پوشش سفالی	مربع مستطیل، 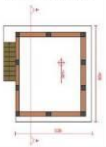	همکف: ندارد فوقانی: ۱۰ عدد ۳*۴	فقط طبقهٔ بالا: شیرسر، واوند، نرده و... با نقش پرنده و اژدها	نقوش گیاهی، هندسی و اسلیمی برنگ آبی، قرمز، مشکی و...	ندارد	آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان مازندران تصاویر: زهرا اسدی
کبودکلا	شهرستان بابل روستای کبودکلا، بانی: آقامیر درودگری: غلامحسین لاسمی و فضل الله خالقی		کاملاً چوبی	چوبی با پوشش سفالی یک گنبد فلزی الحاق شده است	مستطیل 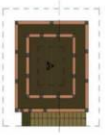	همکف: ۸عدد ۳*۳ فوقانی:۱۰عدد ۳*۴	شیرسر، نال، ستون و... با نقوش: اژدها، خورشید،	نقوش گیاهی، اسلیمی حیوانی، اسطوره ای، مذهبی،زندگی روزمره	کتیبه دارد سال احداث ۱۳۲۶ موضوع خط: اشعار و آیات قرآن	(رستمی و باباجان، ۱۳۹۳: ۹۴). تصاویر: زهرا اسدی
قادیکلا	شهرستان قائمشهر، روستای قادیکلا، تاریخ ساخت ۱۳۴۴ق، ۱۳۰۴ش. بانی: کربلایی جعفر قادیکلایی		چوب، آجر، سیمان، گچ	چوبی با پوشش سفالی	مستطیل 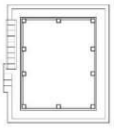	همکف:۱۰عدد ۳*۴ فوقانی:۱۲عدد ۴*۴	شیرسر، نال، سرستون و.. با نقوش اژدها و اسلیمی و..	نقوش مذهبی و غیر مذهبی، حماسه کربلا، زندگی روزمره و...	خوشنویسی با موضوع آیات سورهٔ بقره و همچنین نام متولی و استادکاران و...	آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان مازندران تصاویر: زهرا اسدی
کمانگرکلا	شهرستان آمل، فریدون کنار روستای کمانگرکلا.	سازهٔ چوبی که بخش های زیادی بازسازی شده است.	سازهٔ چوبی بازسازی شده.	چوبی با پوشش سفالی بخش های زیادی بازسازی شده است.	مستطیل 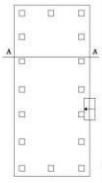	همکف: ۱۶عدد ۳*۷ فوقانی: ۱۶عدد ۳*۷	بخش زیادی از سازه کنونی بازسازی شده است. آثار قابل ملاحظه شامل شیرسر، سرستون و ... می باشد.	نقوش حیوانی، انسانی، گیاهی و اسلیمی	ندارد	(اخگر و امیرکلایی، ۱۳۸۴: ۱۰۴). (زال، علیئی و همتی، ۱۳۹۴: ۱۴۲) تصاویر: زهرا اسدی

نام سقانفار	موقعیت و مشخصات	تصویر کامل	جنس مصالح سازه (اصیل و الحاقی)	مصالح سقف	فرم پلان	تعداد ستون در طبقات	دردوگری و نقوش آنها	تزئینات نقاشی	خط، کتیبه سایر تزئینات	منابع
کیجا تکیه	شهربابل، محله حمزه کلا، قدمت ۱۳۰۶ق،۱۲۸۶ش بانی: مشهدی محمدعلی خان، نجاری:داداشی نوایی		چوب، آجر، سیمان، فلز	چوبی با پوشش سفالی	مستطیل	همکف: ۱۰عدد ۳*۴ فوقانی: ۱۴عدد ۵*۴	دارای ستون، سرستون، نال، تخته کوب با نقوش مارپیچ، زیگزاگ، دهان اژدری، نوشته های مذهبی	انسان، گیاه، مرغ و ماهی، اژدها، نقوش تلفیقی، رستاخیزو..	خوشنویسی با موضوع بانی و اشعاری از محتشم کاشانی. همچنین آجرکاری نما	(ستوده، ۱۳۹۲: ۲۹۶) (رستمی و باباجان،۱۳۹۳: ۹۴) تصاویر: زهرا اسدی
لدار	شهرستان بابل، بندپی، روستای لدار، تاریخ مصورسازی ۱۳۲۲ق،۱۲۸۸ش		سازه چوبی بازسازی شده	چوبی است با پوشش ورق حلبی	مستطیل. 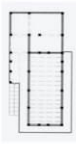	همکف: ۱۰عدد ۲*۵ فوقانی: ۱۸عدد ۴*۷	دارای درچوبی، ستون، نال، نقوش اژدها، شیرسر و سرستون	نقوش هندسی،گیاهی انسانی،حیوانی، اساطیری و...	دارای خطوط و آثار خوشنویسی بوده که محو شده است.	(احدی، ۱۳۹۲) (زارعی و همکاران،۱۳۹۹) (بزرگ نیا، ۱۳۹۹) تصاویر: زهرا اسدی
مرزنگو	شهرستان آمل روستای مرزنگو بخش های زیادی بازسازی شده		چوب، آجر، سیمان، گچ، فلز	چوبی است با پوشش ورق حلبی	مستطیل 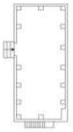	همکف: ۱۶عدد ۳*۷ فوقانی:۱۶عدد ۳*۷	نقوش انسان، ماهی، شیرسر، مارپیچ، اژدها، پرنده، اسلیمی، داستان یونس	فاقد نقاشی است ولی رنگ آمیزی سبز دارد	ندارد	آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان مازندران تصاویر: زهرا اسدی
نوائی محله	شهرستان آمل، به سمت فریدون کنار، روستای نوایی محله. نمای آن با سنگ نوسازی و محصور شده.		چوب، آجر، سیمان، گچ، فلز، نمای سنگی	چوبی با پوشش ورق گالوانیزه	مربع مستطیل 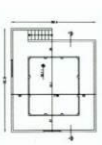	همکف: ۶عدد ۲*۳ فوقانی : ۱۴عدد ۳*۵	نقوش اژدها، اسلیمی، تصویر خورشید و شیرسر	نقوش مفصل حیوانی، هندسی، گیاهی، زندگی روزمره، نقوش مذهبی و اساطیری	خوشنویسی دارد	آرشیو اداره کل میراث فرهنگی استان مازندران تصاویر: زهرا اسدی

2-3. مستندسازی جامع سقانفار قادیکلا به عنوان نمونه شاخص

سقانفار قادیکلا در روستای قادیکلا از توابع شهرستان قائمشهر و در محوطهٔ آرامستان روستا قرار دارد. قدمت بنا به استناد تاریخ نوشته شده بر بدنهٔ آن "جمادی الاخر سال 1344 "(معادل: 1304ه.ش) می باشد که با آخرین سال حکومت قاجاریه مطابقت دارد. همچنین نوشته های دیگری در بنا به چشم می خورد که نام بانی بنا و استادکارانی که در ساخت سقانفار مشارکت داشته اند را بیان می کند. از جمله: "باعث و بانی سقاتالار کربلائی جعفرقادیکلایی سنه1344"؛ "استاد علی ولی و مرحوم استاد علی اکبر نوائی"؛ "کربلائی بابا نوائی"؛ "عمل استاد محمدباقر و مرحوم استاد ذبیح الله لاسمی 1344" "کاتب اسمعیلی روضه خان قادیکلائی جمادی الاخر1344"؛ "عمل استاد رجبعلی و استاد علی اکبر لاسمی" و غیره. سقانفار قادیکلا دارای پلانی مستطیل شکل به ابعاد 5*5/80 متر است و بر روی صفه‌ای پلکانی قرار دارد. بربالای این سکو ستون‌های طبقهٔ همکف سقانفار قرار دارند که تعداد آنها به 10عدد میرسد که 4ستون در طول و3ستون در عرض قرار گرفته‌اند. ستون‌های طبقه اول کمی قطور و ساده است و تنها با چند تراش که در نزدیکی سرستون‌ها داده شده، تزئین گشته‌اند و در قسمت انتهایی که به سطح زمین نزدیک می شوند، ضخیم‌تر هستند. سرستون‌ها متشکل از نقوش اسلیمی و نقش اژدها می‌باشد. فاصله بین ستون‌ها به وسیله نرده‌هایی ساده و کم تراش پر-شده است. کف طبقهٔ همکف سنگ فرش است که به احتمال قوی بخش‌هایی از آن نوسازی شده است. تزئینات چوبی بکار رفته در ساختمان شامل شیرسرهایی است که به صورت پلکانی در فضای داخلی و خارجی طبقه همکف سقانفار جای گرفته‌اند. شکل شیرسرها در پلکان اول با ردیف بعدی متفاوت است، اما هردو ردیف شیرسرها به صورت دو پرنده پشت بهم یا روبه روی هم ساخته شده است. این تزئینات چوبی زیبا در سقف بیرونی این طبقه نیز به چشم میخورد. دورتا دور فضای داخلی با نقوش گیاهی، آیاتی از سورهٔ بقره، اشکال هندسی و طرح پرندگان بر شیرسرها آرایش یافته است. اما بر سقف این طبقه، برخلاف طبقه فوقانی نقوش تزئینی دیده نمی‌شود. لازم به ذکر است کاربری طبقه همکف بیشتر برای جمع‌آوری و پخش نذورات در ایام محرم و صفر و همچنین قرار دادن وسایلی مانند طبل و علم در روزهای عزاداری است.

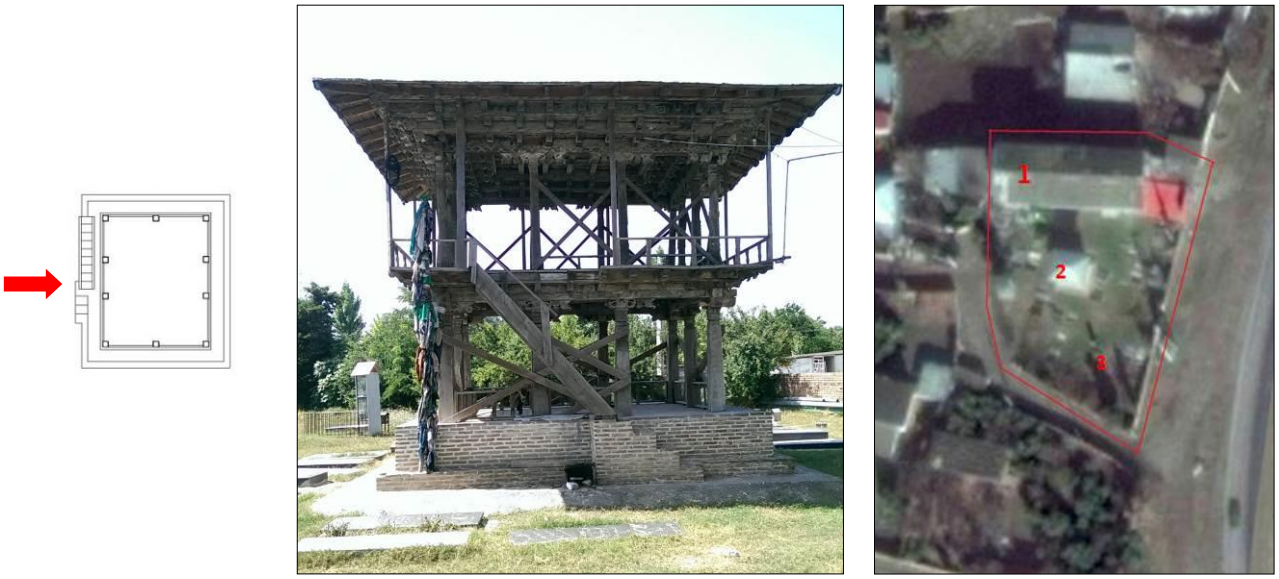

تصاویر1و2. راست: موقعیت آرامستان روستای قادیکلا در کنار جادهٔ قائم شهر به جویبار.
بناهای محوطه: 1.تکیه، 2. سقانفار. 3. آرامگاه‌ها و مقابر. ماخذ: google earth
چپ: نمایی از بنای سقانفار قادیکلا مطابق پلان راهنما. عکس از زهرا اسدی.

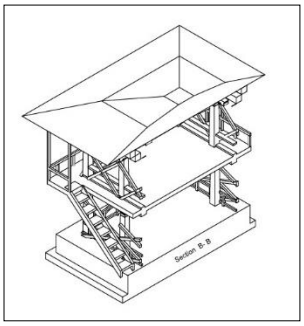
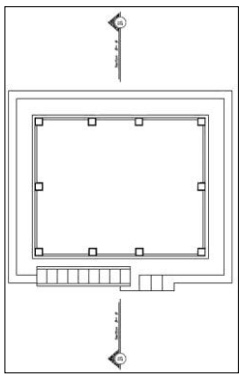

تصاویر3و4. سقانفار قادیکلا. پلان و سه بعدی تهیه شده در فرآیند مستندسازی. ترسیمات و مدلسازی از زهرا اسدی.

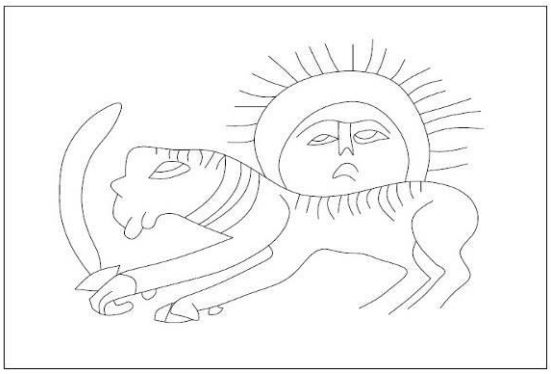
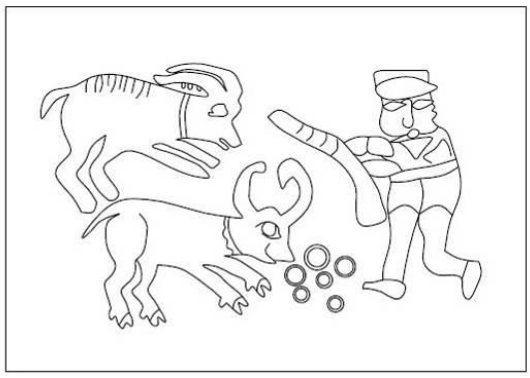

تصاویر5 الی8. مستندسازی تعدادی از نقوش روی سقف سقانفار قادیکلا. موضوع تصویر راست زندگی روزمره و موضوع تصویر چپ شیر و خورشید است. عکس‌ها و ترسیمات از زهرا اسدی.

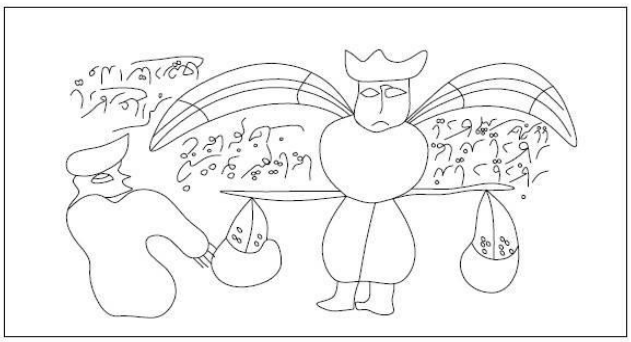
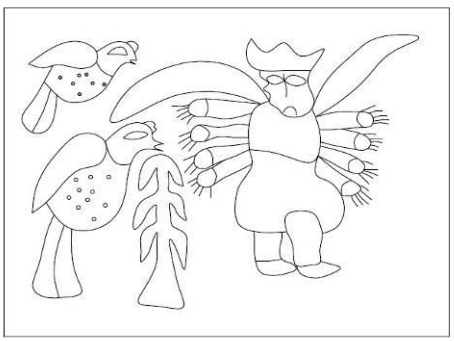

تصاویر9 الی12. مستندسازی تعدادی از نقوش روی سقف سقانفار قادیکلا. راست: تصویر ملک باران. چپ: نقش ملک در حال حسابرسی به اعمال انسان. عکس ها و ترسیمات از زهرا اسدی.

راه پله‌ای چوبی، در قسمت شمالی، طبقه همکف را به طبقه فوقانی مرتبط می‌کند. در طبقه بالا شاهد ستون‌هایی به نسبت پرکارتر و خوش‌تراش‌تر هستیم؛ به تعداد 12 عدد. اما تراش این ستون‌ها در کنج‌ها قدری متفاوت است. تراش‌ها به شکل مدور ستون را می پیماید و زیبایی آن را دوچندان می‌کند. سرستون‌ها و شیرسرهای طبقه دوم کاملاً همانند طبقه اول هستند با همان شکل و اندازه و همان طرح ونقش. نقوش تزئینی طبقهٔ بالا بی‌ارتباط با طبقهٔ همکف نیست اما در اینجا نقش‌مایه-های بسیار ساده و ابتدایی را می بینیم که تمامی سقف را آذین بسته‌اند. این تصاویر شامل: نقوش مذهبی و پیامبران، جهان آخرت، صحنه های از حماسهٔ کربلا مانند تصویر حضرت ابولفضل درحالی که مشک آب به دست دارد، نقوش اسطوره‌ای، تصاویر جنگ و رزم‌آوری مثل ردیف سربازان وسلاح های مورد استفاده در جنگ، تصاویر شکار و زندگی روزمره مانند دامداری، نقش خورشید و همچنین ملک باران، شیر و خورشید، تصاویر فرشتگان در حال رسیدگی به اعمال انسان‌ها، نقش‌مایه‌های گیاهی، هندسی، حیوانی و پرندگان را شامل می شود. تمامی نقوش با حداقل تنوع رنگی به تصویر درآمده اند. رنگ‌هایی همچون آبی، سبز، قرمز و مشکی. در بعضی نقاط هم سعی شده تا از رنگ چوب در پس‌زمینه، به جای رنگ‌آمیزی تصاویر، استفاده شود. به نظر می رسد نوعی خام دستی در اجرای درودگری ها و نیز نقاشی‌ها جریان داشته باشد به نحوی که کارهای چوبی با حداقل جزئیات و ظریف‌کاری توسط استادکاران محلی و نیز فرزندانشان اجرا شده است و ترسیم-ها نیز بدون آگاهی از قوانین طراحی و نقاشی همچون سایه روشن و بُعد، به شیوه‌ای بدوی ترسیم شده‌اند. در کنار یکی از این نقوش نوشته‌ای وجود دارد که مشخص کنندهٔ خالق آن است: "یادگار علی اکبر ولد استاد رجبعلی". جهت مطالعهٔ دقیق‌تر سقانفار قادیکلا به لحاظ کالبدی لازم بود بنا به شکل کامل برداشت، مستندسازی و تحلیل گردد. لذا نقشه برداری از بنا و ثبت جزئیات اجرایی آن به همراه تهیهٔ مدل های دو و سه بعدی از بنا انجام پذیرفت (تصاویر1الی12). همچنین این فرایند کمک کرد که بتوان بنای مذکور را در مرحلهٔ بعد با سایر نمونه‌های مطالعه شده مقایسه نمود که نتیجه آن در بخش بعدی آمده است.

3-3. تحلیل یافته ها(بررسی تطبیقی نمونه شاخص با سایر نمونه ها)

در این بخش ابتدا یک بررسی کلی روی پلان، نماها، ویژگی‌های سازه‌ای، مصالح و تزئینات سقانفارهای مورد بررسی انجام گرفته سپس سقانفار قادیکلا به عنوان نمونهٔ منتخب با سایر نمونه‌ها مقایسه تطبیقی شد خلاصهٔ این بررسی مطابق جدول2 است که شرح آن در ادامه می‌آید. لازم به ذکر است در این بررسی تمرکز بر ویژگی‌های اصیل و اولیه بوده است.

الف)پلان: همهٔ پلان‌های بررسی شده به شکل چهارضلعی هستند. لیکن در سقاتالارهای زعفران‌کلا و نوائی‌محله پلان‌ها به مربع نزدیکتر است و در سایر نمونه‌ها شاهد پلان‌های مستطیل کشیده هستیم. در نمونه‌های بررسی شده سقانفار کبودکلا از نظر فرم پلان شباهت بیشتری به سقانفار قادیکلا دارد و هردو بنا شاهد اندازه‌ای مشابه در طول و عرض و جای گیری ستون ها و راه‌پله هستیم.

ب)طبقات و راه دسترسی: تمامی سقانفارها در دو طبقه ساخته شده‌اند. سقانفارهای لدار و کبودکلا اصالت اولیه خود را حفظ کرده اند و کمتر دچار تغییرات ظاهری گشته‌اند اما در سقانفارهای کمانگرکلا، کیجا تکیه، زعفران‌کلا، مرزنگو، نوائی‌محله و قادیکلا شاهد تغییرات اندکی در ظاهر و نمای ساختمان هستیم. راه دسترسی به طبقهٔ فوقانی در همهٔ سقانفارها ازطریق راه پله های چوبی یا فلزی نوساز امکان پذیر است. در همهٔ سقانفارها راه ارتباطی در بیرون سازه جای گرفته است، فقط در بنای کمانگرکلا شاهد راه پله داخلی هستیم. پله‌ها به سه شکل هستند: 1. پله‌های چوبی: کمانگرکلا، لدار، کبودکلا و قادیکلا؛ 2. پله های آجری نوساز: زعفران‌کلا، نوائی‌محله و کیجاتکیه و 3.پله‌های فلزی نوساز: سقانفارمرزنگو. در میان نمونه‌های مورد بررسی سقانفار کبودکلا، بیشترین شباهت را با سقانفار قادیکلا دارد زیرا در هردو بنا شاهد راه ارتباطی خارجی و چوبی هستیم که در ضلع شمالی جای گرفته‌اند.

ج)مصالح: مصالح غالب در تمامی سقانفارها در فرم اصیل و اولیه چوب است که نشات گرفته از بوم منطقهٔ مازندران می باشد به غیر از بخش کرسی‌چینی که ممکن است از سنگ یا آجر هم ساخته شود. در دهه های اخیر و حین مداخلات جدید مصالح دیگری همچون سیمان، آجر، گچ و سنگ نیز در بناها بکارگرفته شده که خلاصهٔ آن بدین شرح است:

- استفاده از مصالح چوب:کمانگرکلا، لدار، کبودکلا
- استفاده از مصالح چوب، آجر، سیمان، گچ، فلز: زعفران‌کلا،کیجاتکیه، مرزنگو
- استفاده از مصالح چوب، آجر، سیمان،گچ: قادیکلا
- استفاده از مصالح چوب، آجر، سیمان،گچ، سنگ: نوائی‌محله

د)درودگری و خراطی: تزئینات چوبی در ساختمان سقانفارها شامل ستون، سرستون و کماچه، شیرسر، خراطی های سقف و نرده های رواق است که در تمامی نمونه‌ها دیده می‌شود. ستون‌های برخی از سقانفارها، خاصه در طبقهٔ همکف، ساده و بدون تراش هستند که این مسئله در سرستون‌های تراش‌خورده و پرکار جبران می‌شود. تمامی سرستون‌ها به شکل دهان‌اژدها و خورشید و نقوش اسلیمی به زیبایی و با ظرافتی چشمگیر ساخته شده‌اند. در کماچه‌ها نیز تلاش شده که فرم آن با شکل سرستون‌ها مشابه و هماهنگ باشد. شیرسرها در سقانفارها نقش تزئینی خاصی دارند که بیشتر به شکل دو پرنده خمیده پشت به هم یا یک پرنده خمیده تراشیده شده‌اند؛ و این اشکال در شیرسرهای داخلی و خارجی هر بنا مشابه است. تنها درسقانفارهای کیجاتکیه سرستون‌ها و شیرسرها با بقیهٔ بناها متفاوت است. در

طبقات همکف و اول شکل تراش شیرسرها از فرم و شکل سرستون‌های طبقهٔ همکف اقتباس گردیده، که به شکل سر اژدها و نقوش اسلیمی است. اما در طبقه فوقانی شاهد سرستون های متفاوت هستیم که به صورت خوشنویسی "یا قاضی الحاجات" بر روی آن ها به زیبایی و به صورت قرینه حک شده است.

ه)تعداد ستون‌ها: ستون یکی از عناصر مهم در معماری سقانفارها محسوب می شود که علاوه برجنبهٔ سازه‌ای، به شکل نگهدارنده یا حمال، جنبهٔ تزئینی نیز دارد. در واژهٔ سقاتالار که فراوان بجای سقانفار بکار می رود بی شک استفاده از کلمهٔ "تالار" در مورد بنایی چنین کوچک متاثر از کاربرد تعداد زیاد ستون است زیرا اساس تالار در معماری بر طرح ستون بندی استوار است. با مقایسه ای که بین هشت سقانفار صورت گرفت، اینگونه برداشت می شود که تعداد ستون‌ها در طبقات اول یا دوم بعضاً متفاوت است. در طبقات همکف شاهد بکار گیری تعداد ستون های کمتر لیکن قطورتری نسبت به طبقه فوقانی هستیم این امر به دلیل باربر بودن ستون های طبقه همکف است که می بایست وزن طبقهٔ فوقانی را نیز متحمل شوند. تعداد بیشتر ستون ها در طبقهٔ بالا و همچنین نازکتر بودن آنها را می توان مرتبط با ماهیت ایستایی و همچنین جنبهٔ تزئینی آنها دانست. در ادامه مقایسه‌ای بین سقانفارهای مورد مطالعه در پژوهش آمده است که البته معیار تعداد ستون های طبقهٔ بالا است که دارای اهمیت نسبی بیشتری هستند. نتیجهٔ بررسی چنین است:

- دو سقانفار دارای 10ستون هستند: سقانفار کبودکلا و زعفران‌کلا که 4ستون در طول و 3ستون در عرض تعبیه شده است.
- دو سقانفار دارای 14 ستون می باشند: سقانفارهای کیجاتکیه و نوائی‌محله که 5 ستون در قسمت طولی و 4 ستون در عرض بکار گرفته شده است.
- سقانفار قادیکلا تنها بنایی است که در طبقه دوم خود 12 ستون را جای داده است.4ستون در طول و 4ستون در عرض قرار گرفته است.
- در بنای سقانفار کمانگرکلا شاهد بکارگیری 16 ستون هستیم که 7ستون در طول بنا و 3 ستون در عرض قرار دارند.
- سقانفار لدار در طبقه دوم خود دارای 18 عدد ستون می باشد که مشابه سقانفار کمانگر کلا در طول آن 7ستون ولی در عرض دارای 4 ستون است.
- سقانفاری که بیشترین تعداد ستون را بین این هشت بنا دارا است سقانفار مرزنگو است. در این بنا 20 ستون به چشم می خورد که 8 عدد در طول و 4عدد در عرض قرار گرفته است.

آنچه مشخصاً از تعدد ستون ها در نمونه های مورد بررسی قابل ارزیابی است تنوع الگوهای مختلف است و نشان می دهد این آیتم از الگوی کلی پیروی نمی کند.

و) رواق(غلام‌گرد): در شش سقاتالار از مجموع سقانفارهای بررسی شده شاهد ساخت رواق هستیم. سقانفارهای زعفران‌کلا و لدار فاقد غلام‌گرد یا همان رواق یا گردرفاق هستند. در سقانفارهای کمانگرکلا، مرزنگو،کبودکلا و قادیکلا غلام‌گرد دیده می شود که با نرده‌هایی ساده یا مختصر تراش‌خوردهٔ چوبی احاطه گشته‌اند. همچنین شکل دیگری از رواق نیز وجود دارد که در بناهای کیجاتکیه و نوائی‌محله وجود دارد که این رواق‌ها، فضای خالی هستند که مابین سازه چوبی و دیوارهای ساختمان قرار گرفته و به شکل غلام‌گرد یا همان رواق دیده می شود. البته این تغییر تا حدود زیادی ناشی از الحاقات و تغییرات بعدی ایجاد شده در این دو بنا می باشد.

ز) نقاشی و خوشنویسی:در بین سقانفارهای مورد بررسی موارد گوناگونی مرتبط با بکارگیری نقش و خط وجود دارد که می توان آنها را در سه دسته جای داد: سقانفارهایی که دارای نقاشی هستند، مانند: زعفران‌کلا، کمانگرکلا و کبودکلا؛ سقانفارهایی که دارای نقاشی و خوشنویسی هستند مانند: کیجاتکیه، قادیکلا، لدار و نوائی‌محله و سقانفارهایی که بدون هرگونه نقوش تزئینی می باشند؛ مانند: سقانفار مرزنگو. همچنین رنگ های مورد استفاده در این نقوش بیشتر رنگ‌های اصلی و کمتر ترکیبی هستند. از جمله سیاه، سفید، سبز، آبی، قرمز و زرد. خوشنویسی ها اغلب داخل یک قاب نوشته می شدند و به رنگ سیاه یا سفید با دورگیری سیاه هستند.

4. نتیجه گیری

سقانفارها از پیشینه ای بسیار کهن هستند که ریشه در اقتصاد، فرهنگ و آئین های منطقه ای مازندران دارد. لیکن سقانفارهای بجای مانده عمدتاً با اهداف مذهبی ساخته شده و در ارتباط با مراسم عزاداری محرم و صفر و گرامیداشت حضرت عباس (ع) هستند و تاریخ ساخت بیشتر نمونه‌ها به دوران قاجار به این سو می رسد. تاثیر ریشه‌های فرهنگی و مذهبی را بیش از هرچیز در نقوش و نوشته‌های سقانفارها می توان ملاحظه کرد که البته پژوهش های چندی راجع به آنها انجام شده است. آنچه کمتر مورد بررسی قرارگرفته ویژگی های معماری این ابنیه است که در این نوشتار قدری به آن پرداختیم. بررسی فوق، که خلاصه آن در جداول 1و2 آمده است، نشان داد برخی فرضیه ها درباره معماری و ساخت سقانفارها صحیح است مانند فرم پلان مستطیل شکل و تعداد طبقات که در همگی 2 طبقه است. همچنین به نظر می رسد به استثنای استفاده از سنگ و آجر در کنار چوب در کرسی چینی و استفاده از سفال در پوشش نهایی بام، مصالح ساخت اصلی تمامی این ابنیه چوب بوده است و استفاده از سایر مصالح الحاقات متاخر است که یا به ضرورت کاربرد و یا در اثر تعمیرات بعدی ایجاد شده است.

از جمله نظریات اشتباه در پژوهش های انجام گرفته پیرامون سقانفارها ثابت بودن تعداد ستون‌ها در طبقات است و همانطور که ملاحظه شد تنوع زیادی در این-خصوص وجود دارد؛ به همین دلیل ارتباط تعداد ستون‌ها به اعداد مقدس مذهب شیعه را نمی‌توان به عنوان یک اصل پذیرفت. همچنین در مورد نقوش تزئینی و

نوشته ها بررسی نشان داد مهمترین تزئین در تمامی سقانقارها در درجهٔ اول خراطی است که در تمامی نمونه‌ها وجود دارد. نقاشی‌ها که در اکثر نمونه‌ها دیده می شود به لحاظ محتوایی در دو قالب مذهبی و غیر مذهبی قابل دسته بندی هستند و به لحاظ بصری کیفیت یکدستی نداشته و در بعضی نمونه‌ها به لحاظ طرح و رنگ قوی تر و در نمونه‌هایی ضعیف‌تر هستند. آثار خط و خوشنویسی نیز به نسبت در نمونه‌های کمتری دیده می‌شود و مانند نقاشی کیفیت یکدستی ندارد. سایر تزئینات همانند آجرکاری که تنها در سقانقار کیجا تکیه دیده شد تزئینی متاخرتر است که اصالت تاریخی ندارد مانند کاشی‌کاری که در نمونه‌های دیگری دیده می شود.

در آخر پیشنهاد می شود، همانطور که در نمونهٔ سقانقار قادیکلا انجام شد، با توجه به اهمیت و تنوع فراوان این گونهٔ معماری در سرزمین مازندران تعداد بیشتری از این آثار مستندسازی کامل و تحلیل شود تا بتوان تحلیل‌های دقیق‌تری پیرامون این ابنیه ارزشمند بدست آورد.

فهرست منابع

احدی،آزاده(1392): ***بررسی ساختار سقانقار لدار***، مجلهٔ اثر، شماره 64، ص1-14.

اخگری، محمد و امیرکلایی،ابراهیم(1383-84): ***سقانقار، یادمان مذهبی و سنتی مازندران***، فصلنامه فرهنگ و مردم ایران، شماره‌های پنجم وششم، ص 85 الی 108.

بزرگ نیا، زهره(1384): ***تکایا در بافت قدیم شهر بابل***،کتاب ماه هنر، شماره83و84، ص120-128.

جانعلیزاده چوب بستی، حیدر و ذال، محمد حسن(1389): ***سقانقار نماد معماری اسلامی، کارکردهای دینی و اجتماعی سقانقار در مازندران***، دو فصلنامه کاوش های دینی، سال سوم، شماره 6.

جوادی، شهره(1386): ***اماکن مقدس در ارتباط با طبیعت، آب، درخت وکوه***، مجله باغ نظر، شمارهٔ8، ص 12-21

ذال، محمدحسن؛ علیئی، میثم و همتی ازندریانی، اسماعیل(1394): ***تداعی معانی و انتقال مفاهیم شیعی در معماری آئینی (مطالعهٔ موردی سقانقارهای آمل)***، فصلنامهٔ تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی، سال6، شمارهٔ 18، ص133-154.

رحیم زاده، معصومه(1372): ***سقانقارها، نوعی معماری آئینی***، نشریه وقف میراث جاویدان، شماره5، ص132-136

رحیم زاده، معصومه(1382): ***سقاتالارهای مازندران، منطقه بابل، وجهی از معماری آیینی***، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور(پژوهشگاه) و اداره کل میراث فرهنگی استان مازندران.

رحیم زاده، معصومه(1383): ***پیوست و گسست سنت در بناهای آیینی***، نشریه نامه فرهنگ، شماره52، ص142-151

رستمی، مصطفی و باباجان تبار، فاطمه(1393): ***مطالعه ای بر عناصر بینامتنی و پیش‌متن‌های اسطوره‌ای و مذهبی در سقانقارهای مازندران (مطالعه موردی سقانقارهای کیجاتکیه ،شیاده، کبودکلا، کبریاکلا، چمازکلا)***، دو فصلنامه پژوهشی-تحلیلی مطالعات هنر بومی، شماره دوم، ص91-112.

رفیعی، زهرا(1390): ***روند تحولات نقار در معماری بومی مازندران***، فصلنامه علمی پژوهشی باغ نظر، شماره19، سال هشتم. ص55-64

زارعی، علی؛ اکبرپورکامی، مرضیه و پایدارفر، آرزو(1399): ***بررسی نقش مایه‌های اسطوره‌ای-بومی سقانقارهای شرق مازندران (مطالعهٔ موردی سقانقار شیاده، لدار و شاهزاده رضا)***، مطالعات باستان شناسی دورهٔ اسلامی، سال اول، شمارهٔ1، ص156-169.

ستوده، منوچهر(1392): ***از آستارا تا استاراباد، جلد چهارم(آثار وبناهای تاریخی مازندران شرقی)***، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل انتشارات و تبلیغات.

عناصری، جابر(1383): ***تاثیر تشیع بر ابنیه، اماکن و زیارتگاه های مذهبی ایران***، فصلنامهٔ شیعه شناسی، سال دوم، شماره7، ص121-146.

کلانتر،علی اصغر وگرامیان، عظمت السادات(1392): ***بررسی دقیق خواستگاه نقوش سقانقارها در آموزه های تشیع***، فصلنامه علمی پژوهشی شیعه شناسی، سال یازدهم، شماره43، ص87-116.

کلانتر، علی اصغر(1399): ***کارکردشناسی تحلیلی سقانقارهای مازندران بر اساس مضامین تزئینات با رویکرد ادبیات تعلیمی***، نگره، شماره56، ص71-78.

محمودی، فتانه(1387): ***مضامین دینی در نقوش سقانقارهای مازندران***، مجله کتاب ماه هنر، شماره118، ص80-87.

محمودی، فتانه و طاووسی، محمود(1387): ***مضامین تصاویر انسانی در سقانقارهای مازندران، بررسی تطبیقی نقوش سقانقارهای شیاده و کردکلا***، شمارهٔ 36، ص67-76.

محمودی، فتانه؛ طاووسی،محمود و فرهنگی، علی اکبر(1388): ***تجلی هویت ملی در هنر ایران با رویکردی به مضامین نقش مایه های تزئینی سقانقارها در مازندران***، فصلنامه مطالعات ملی، سال دهم، شمارهٔ37، ص75-98

معماریان، غلامحسین و پیرزاد، احمد(1391): ***نگاهی به معماری بومی سقانقارها***، صفه، دورهٔ بیست و دوم، شمارهٔ3، ص29-44.

یوسف نیا پاشایی، وحید(1385): ***سقانقار و اهمیت آب، شیرسر و کماچه سر***،کتاب ماه هنر، ص58-70

آرشیو و مراکز اسناد

آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان مازندران: پرونده ثبتی سقانقارهای زعفران کلا، کبودکلا، کمانگرکلا، کیجاتکیه، لدار، مرزنگو، نواحی محله و قادیکلا.